



challenges of women's intellectual rights in the Family law litigation process

Maryam Amini Koochak Saraei^{*1}, Arash Naseri²

1. Master's student, Family Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran
(Corresponding Author) Email: Ma4808693@gmail.com
2. Lecturer and PhD in Private Law, Science and Research Branch, Islamic
Azad University, Tehran, Iran. Email: Arashnaseri0522@gmail.com

Abstract

This article is compiled with the aim of analyzing the challenges of women's moral rights in Iran and providing solutions based on the principles of justice and strengthening the family institution. The main research questions include how to facilitate judicial processes in family lawsuits, support women exposed to social harm, and optimize administrative costs. The research method, using the comparative analysis of domestic laws and legal systems of other countries, along with the review of field data and documentary evidence, tries to provide practical solutions. The results show that the amendment of executive regulations, the clear definition of criteria such as the best interest of the child in custody cases and the creation of specialized evaluation centers can improve judicial decisions. Also, the use of mandatory pre-trial counseling and the reduction of bureaucracy in divorce cases, in addition to reducing family tensions, will preserve the foundation of the family. To support women who are victims of violence, solutions such as creating safe houses, passing comprehensive protection laws, and establishing special courts have been proposed. These solutions, while respecting human dignity, provide the basis for improving psychological and social security. In addition, the use of new technologies, such as complaint registration and case management systems, increases the transparency and efficiency of the judicial system. The article concludes that by relying on existing capacities, reforming structures, and careful planning, one can take an effective step towards social justice, strengthening the family institution, and reducing social damages.

Keywords: Spiritual rights, women's rights, Islamic culture, family protection, family litigation.

Received:	2025/01/10	Article Type:	Research Paper
Revised:	2025/02/11	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	2025/02/17	DOI:	10.22034/CJLS.2025.2050339.1020
Available Online:	2025/03/05		

چالش‌های حقوق معنوی زنان در فرآیند دادرسی دعاوی خانوادگی

مریم امینی کوچکسرای^۱، آرش ناصری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) قم، ایران (نویسنده مسئول)

رایانامه: Ma4808693@gmail.com

۲. مدرس و دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: Arashnaseri0522@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله، تحلیل چالش‌های حقوق معنوی زنان در ایران و ارائه راهکارهایی مبتنی بر اصل عدالت و تقویت نهاد خانواده می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق شامل چگونگی تسهیل فرآیندهای دادرسی در دعاوی خانوادگی و حمایت از زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی و بهینه‌سازی هزینه‌های اجرایی است. مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد راهکارهایی عملی و قابل اجرا ارائه نماید. طبق یافته‌های پژوهش، اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی، تعریف شفاف معیارهایی مانند مصلحت کودک در پرونده‌های حضانت و ایجاد مراکز ارزیابی تخصصی، می‌تواند تصمیم‌گیری‌های قضایی را بهبود بخشد. همچنین، استفاده از مشاوره اجباری پیش از دادرسی و کاهش بروکراسی در دعاوی طلاق، علاوه بر کاهش تنش‌های خانوادگی، موجب حفظ بنیان خانواده خواهد شد. برای حمایت از زنان قربانی خشونت، راهکارهایی همچون ایجاد خانه‌های امن، تصویب قوانین جامع حمایتی و ایجاد دادگاه‌های ویژه پیشنهاد شده است. این راهکارها، ضمن احترام به کرامت انسانی، زمینه ارتقای امنیت روانی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های ثبت شکایات و مدیریت پرونده‌ها، شفافیت و کارآمدی نظام قضایی را افزایش می‌دهد. در نهایت با تکیه بر ظرفیت‌های موجود، اصلاح ساختارها و برنامه‌ریزی دقیق، می‌توان گامی مؤثر در راستای عدالت اجتماعی، تقویت نهاد خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی برداشت.

واژگان کلیدی: حقوق معنوی، حقوق زن، فرهنگ اسلامی، حمایت از خانواده، دادرسی دعاوی خانوادگی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۰/۲۱	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۱۱/۲۳	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۱۱/۲۹	:DOI	10.22034/CJLS.2025.2050339.1020
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۱۲/۱۵		

حقوق معنوی زنان به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی حقوق بشر، در اسلام و نظام حقوقی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این حقوق شامل کرامت انسانی، حفظ حریم خصوصی، آزادی انتخاب در مسائل زندگی و مشارکت اجتماعی است. با این حال، در عمل، چالش‌هایی در تفسیر و اجرای این حقوق وجود دارد که باعث محدودیت در بهره‌مندی کامل زنان از این حقوق می‌شود. برخی از این چالش‌ها ناشی از ضعف در تفسیر قوانین، نبود آیین‌نامه‌های اجرایی شفاف و تفسیرهای محدود از آموزه‌های اسلامی است.

اگرچه قوانین ایران بر مبنای اصول اسلامی تدوین شده و به حمایت از زنان تأکید دارد، اما در برخی زمینه‌ها، اجرای این قوانین با مشکلاتی همراه است. به طور مثال، قوانین مربوط به حضانت فرزندان، طلاق و حق اشتغال به گونه‌ای اجرا می‌شوند که گاه عدالت مورد نظر اسلام را به طور کامل تأمین نمی‌کنند. از سوی دیگر، تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض از قوانین، نه تنها حقوق زنان را محدود کرده، بلکه کارایی نظام حقوقی را نیز کاهش داده است.

اندیشمندان زیادی در مطالعات متعددی به بررسی حقوق زنان در چارچوب قوانین اسلامی پرداخته‌اند. برای مثال: کتاب «حقوق زنان در فقه اسلامی» نوشته دکتر حسین علیزاده (علیزاده، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۵) به تحلیل حقوق زنان در چارچوب آموزه‌های اسلامی پرداخته است. این اثر تأکید می‌کند که ضعف در اجرای قوانین، نه از اصول اسلامی، بلکه از کمبود شفافیت در قوانین نشأت می‌گیرد. مقاله‌های متعددی نیز در زمینه حقوق زنان در ایران نوشته شده است، این مقالات بیان می‌دارند که نبود آیین‌نامه‌های دقیق یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها در حوزه بررسی و اجرای حقوق معنوی زنان است، برای مثال گزارش سالانه مرکز پژوهش‌های مجلس (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸) تأکید کرده است که شفاف‌سازی قوانین و تدوین معیارهای مشخص می‌تواند به بهبود عدالت در پرونده‌های خانوادگی کمک کند. با وجود این، بسیاری از این مطالعات یا به ارائه راهکارهای کلی پرداخته‌اند یا نتوانسته‌اند چالش‌های موجود را در چارچوب حقوق معنوی به طور دقیق تحلیل کنند. انجام این تحقیق به دلایلی همچون ۱. تأمین عدالت اجتماعی؛ ۲. تقویت کارآمدی نظام حقوقی؛ ۳. حمایت از نهاد خانواده؛ ۴. تحلیل دقیق مشکلات شکلی و اجرایی حقوق معنوی زنان و ارائه راهکار ضروری است.

رفع موانع حقوقی و اجرایی مرتبط با حقوق معنوی زنان می‌تواند به تقویت عدالت اجتماعی کمک کند. همچنین شفاف‌سازی قوانین و اجرای دقیق آن‌ها، منجر به افزایش اعتماد عمومی به

دستگاه قضایی خواهد شد. از مزایای اجرای صحیح حقوق معنوی زنان می‌توان، به حفظ تعادل در خانواده و تقویت این نهاد حیاتی اشاره کرد و در آخر هدف این پژوهش، تحلیل دقیق مشکلات شکلی و اجرایی حقوق معنوی زنان و ارائه راهکارهایی است که ضمن حفظ اصول اسلامی، به بهبود وضعیت زنان در جامعه کمک کند.

سؤال اصلی که این مقاله درصدد پاسخگویی به این است که چگونه می‌توان چالش‌های موجود در اجرای حقوق معنوی زنان در چارچوب قوانین ایرانی - اسلامی را شناسایی و رفع کرد؟ همچنین در ادامه به سؤالاتی از قبیل، چالش‌های اصلی در اجرای حقوق معنوی زنان چیست؟ و همچنین، چرا برخی قوانین فعلی نمی‌توانند نیازهای معاصر زنان را تأمین کنند؟ و ایضاً، چگونه می‌توان با حفظ اصول اسلامی، راهکارهای عملی برای تقویت حقوق معنوی زنان ارائه داد؟ چه تفاوت‌هایی در اجرای این حقوق در ایران و سایر کشورها وجود دارد؟

این مقاله در پنج بخش اصلی تنظیم شده است:

۱. مبانی نظری حقوق معنوی زنان از دیدگاه اسلام.
۲. تحلیل چالش‌های اجرایی و تفسیری در موضوعاتی مانند حضانت، اشتغال و خشونت خانگی.
۳. بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی کشورهای مشابه.
۴. تحلیل نمونه‌های موردی داخلی برای شناسایی مشکلات عملی.
۵. ارائه راهکارهای عملی و نتیجه‌گیری.

۱. مبانی نظری حقوق معنوی زنان از دیدگاه اسلام

۱-۱. مفهوم حقوق معنوی زنان در اسلام

حقوق معنوی زنان به مجموعه‌ای از حقوق انسانی و اجتماعی گفته می‌شود (علیزاده، ۱۳۹۹، ص ۴۵) که بر اساس آموزه‌های اسلامی، کرامت انسانی، آزادی انتخاب و حریم خصوصی آن‌ها را تضمین می‌کند. این حقوق شامل اصول اخلاقی و قانونی است که نقش زنان را به‌عنوان اعضای مؤثر خانواده و جامعه به رسمیت می‌شناسد. این تعریف بر اساس آموزه‌های اسلامی و مطالعه منابع حقوقی ایران تدوین شده است «قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۳؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۰»

در قرآن کریم، کرامت انسانی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مطرح شده است. در آیه ۱۳ سوره حجرات (حجرات، آیه ۱۳) آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را

ملت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تفاوت‌ترین شماسست.) این آیه به برابری انسانی زن و مرد اشاره دارد و ملاک برتری را تنها تقوا می‌داند. همچنین حدیث نبوی «النساء شقائق الرجال» (زنان برابر و شریک مردان‌اند) تأییدی دیگر بر این نگاه است. این مفاهیم نشان می‌دهند که کرامت انسانی و برابری، اصول بنیادینی هستند که حقوق معنوی زنان بر آن‌ها استوار است. حقوق معنوی، گستره‌ای از این اصول است که به‌طور خاص بر تضمین آزادی انتخاب، حریم خصوصی و مشارکت اجتماعی زنان تأکید دارد و بخشی جدایی‌ناپذیر از عدالت اجتماعی اسلامی است.

۱-۲. حقوق معنوی زنان در قرآن و سنت

آیات و روایات بسیاری در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به حقوق معنوی زنان پرداخته‌اند. برخی از این حقوق عبارت‌اند از: کرامت انسانی: آیه ۷۰ سوره اسراء (اسراء، آیه ۷۰) می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (و به‌راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم...) در این آیه مشاهده می‌شود که کرامت انسانی بدون توجه به جنسیت، برای همه انسان‌ها تضمین شده است و نشان‌دهنده اهمیت جایگاه زنان در نگاه اسلامی است. در آیه ۱۲ سوره نور آمده است: «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا...» (و تجسس نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید...) این دستور قرآنی به‌طور عام و مطلق بیان شده و حق حریم خصوصی را برای تمام افراد محترم می‌شمارد و جنسیت خاصی را مدنظر قرار نداده یا از این دسته‌بندی جدا نکرده است، پس می‌توان این‌گونه دریافت کرد که از آنجاکه این آیه اشاره دارد به عدم تجاوز به حریم خصوصی همگان زنان نیز در این دسته قرار دارند و از نظر قرآن حریم خصوصی آن‌ها محترم شمرده می‌شود و قابل دست‌اندازی نیست. آیه ۲۳۲ سوره بقره می‌گوید: «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ...» (از ممانعت آنان برای ازدواج با همسرانشان، خودداری کنید.) این آیه، نشان‌دهنده آزادی زنان در تصمیم‌گیری‌های شخصی، به‌ویژه در حوزه ازدواج، است.

۱-۳. جایگاه حقوق معنوی زنان در فقه اسلامی

فقه اسلامی، بر اساس اصول و قواعد کلی، حقوق معنوی زنان را به رسمیت شناخته است. این قواعد عبارت‌اند از:

■ قاعده لاضرر:

بر اساس حدیث نبوی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (هیچ ضرری در اسلام مجاز نیست)

هرگونه عملی که موجب آسیب به دیگران شود، مردود است. از این قاعده که به صورت کلی بیان شده می‌توان برداشت کرد که اضرار دیگران در هر شرایطی ولو در چهارچوب خانوادگی از نظر اسلام نقض شده است و نمی‌توان در چهارچوب خانواده کسی را مورد ضرر قرار داد و به او آسیب زد؛ مستند به این اصل می‌توان گفت که زنان از هرگونه اضرار در محیط اطراف بالأخص خانواده مصون بوده و مورد حمایت اسلام هستند.

■ قاعده نفی عسر و حرج:

این قاعده که از آیه ۱۸۵ سوره بقره استخراج شده است، می‌گوید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» (خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد). بر اساس این قاعده، هر قانونی که موجب مشقت یا سختی غیرضروری شود، باید بازنگری گردد. این آیه نیز به صورت عام و مطلق بیان شده و زنان را از شمولیت خارج نکرده، پس می‌توان این‌گونه گفت که آیات قرآن کریم در حمایت از زنان و مخالف رنج و مشقت (عسر و حرج) آنان است.

۱-۴. جایگاه حقوق معنوی زنان در نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران، با تأثیرپذیری از اصول اسلامی، در قانون اساسی و قانون مدنی به‌طور خاص به حقوق زنان پرداخته است. اصل ۲۰ قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند...» این اصل، برابری زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق قانونی را تضمین می‌کند. اصل ۲۱ قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات تضمین کند...» این اصل، مسئولیت دولت را در حمایت و ارتقای جایگاه زنان تصریح می‌کند. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.» درست است که این ماده ریاست خانواده را از وظایف شوهر می‌داند، اما این ریاست به معنای سلطه‌طلبی مرد و فرودست نشاندن زنان نیست بلکه این ریاست باید با مشورت و تعامل همراه باشد. تقویت آیین‌نامه‌های اجرایی می‌تواند تضمین کند که این ماده به‌درستی و با حفظ حقوق زنان اعمال شود. (قاسمی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۲) ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند» این ماده به شوهر اجازه می‌دهد زن را از شغلی که منافی حیثیت خانوادگی است منع کند. بااین‌حال، تفسیر این ماده باید به‌گونه‌ای باشد که تعادل میان حقوق زن و مرد در خانواده حفظ شود. (رضایی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۵)

در پاسخ به پرسش، چالش‌های اصلی در مبانی نظری چیست؟ باید بیان کرد که چالش اصلی

در اجرای مبانی نظری، تفسیرهای محدود از قوانین است. برای مثال، ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، اگرچه به ریاست شوهر اشاره دارد، اما با اجرای صحیح آن می‌توان حقوق زن را نیز تضمین کرد. در بررسی اینکه چرا برخی قوانین پاسخگوی نیازهای معاصر نیستند؟ به این موضوع می‌رسیم که برخی قوانین، مانند ماده ۱۱۱۷، نیازمند تفسیرهایی متناسب با شرایط امروزی هستند. این ماده باید با توجه به نیازهای زنان در محیط کار و خانواده اجرا شود. حقوق معنوی زنان در اسلام و نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده است. با این حال، ضعف در تفسیر و اجرای قوانین، چالش‌هایی را ایجاد کرده است. این بخش نشان داد که چگونه می‌توان با استفاده از مبانی اسلامی و حقوقی، این چالش‌ها را شناسایی و حل کرد. در بخش بعدی، این چالش‌ها به صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری بررسی خواهند شد.

۲. تحلیل چالش‌های حقوق معنوی زنان در ایران

حقوق معنوی زنان در ایران، با وجود حمایت‌های گسترده قانونی و اسلامی، در مرحله تفسیر و اجرا با چالش‌هایی روبه‌رو است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به محدودیت‌های موجود در حق اشتغال و مسائل مربوط به خشونت خانگی اشاره کرد. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از نبود شفافیت در قوانین اجرایی، تفسیرهای سنتی و ضعف در هماهنگی نهادی هستند. تحلیل دقیق این موضوعات به ارائه راهکارهایی عملی و مؤثر کمک می‌کند.

۲-۱. چالش‌های مرتبط با حضانت فرزند

یکی از مسائل حساس در حقوق معنوی زنان، موضوع حضانت فرزندان است. حقوق معنوی زنان شامل مواردی مانند احترام به شأن مادری، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و تأمین عاطفی و روانی خانواده است. در این راستا، حضانت فرزندان به عنوان بخشی از حقوق معنوی زنان شناخته می‌شود، چراکه این حق با کرامت انسانی و جایگاه زن در خانواده و جامعه ارتباط مستقیم دارد. از این رو، تحلیل دقیق مسائل مرتبط با حضانت می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی و حفظ حقوق زنان کمک کند که در مواد قانونی و قضایی ایران به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت‌سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.» این ماده، حقوق مادر را در سال‌های اولیه زندگی کودک به رسمیت شناخته است و این یک مزیت قانونی شناخته می‌شود، تحقیقات روان‌شناختی نیز نشان می‌دهند که حضور مادر در این سنین برای رشد عاطفی

و روانی کودک ضروری است (موسویان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۵۴) اما در ادامه بررسی با چالشی مواجه می‌شویم و آن این است که پس از هفت‌سالگی، اولویت حضانت به پدر تعلق می‌گیرد، حتی اگر مادر توانایی بیشتری برای نگهداری کودک داشته باشد. این تصمیم که گاهی بدون توجه به شرایط واقعی خانواده اتخاذ می‌شود، منجر به چالش تضاد میان منافع کودک و حقوق والدین می‌شود.

در یک پرونده حقوقی در تهران (پرونده شماره ۴۵/۱۳۹۸) حضانت دختر ۹ ساله‌ای به پدر سپرده شد، در حالی که پدر به دلیل شغل خود توانایی کافی برای نگهداری از کودک را نداشت. این تصمیم که تنها به استناد ماده ۱۱۶۹ اتخاذ شد، اعتراض‌های متعددی را به همراه داشت. تعیین منافع کودک نیازمند معیارهای دقیقی است که باید از این معیار تفسیر و تعبیر واضح و روشنی ارائه شود و همچنین لازم است که قضات آموزش‌های دقیق‌تر و تخصصی‌تر درباره حضانت و نیازهای روانی کودکان ببینند. از بیان و مطالعه این موارد به این برآیند می‌رسیم که تعاریف دقیق جامع و ایضاً متناسب با نیازهای روز جامعه از جمله خلأهایی است که در این حوزه وجود دارد و نیاز به شفاف‌سازی، بازنگری و آموزش‌های کافی و لازم داریم.

۲-۲. چالش‌های مرتبط با حق طلاق

موضوع حق طلاق، یکی دیگر از چالش‌های مهم در حقوق معنوی زنان در ایران است. طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.» این ماده بر اساس اصول اسلامی تدوین شده و از مزایای آن این است که حق طلاق را به مرد اختصاص داده است. از سوی دیگر، زنان برای درخواست طلاق باید دلایلی مانند عدم پرداخت نفقه، سوء معاشرت، یا غیبت شوهر را اثبات کنند (مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی ج. ۱. ایران) چالش اصلی اینجا مطرح می‌شود که این فرایند طولانی و پیچیده گاهی منجر به آسیب‌های روانی و اجتماعی برای زنان می‌شود. در پرونده‌ای که در دادگاه خانواده اصفهان (پرونده شماره ۸۷/۱۴۰۱) بررسی شد، زنی برای طلاق مجبور به ارائه ۱۲ شاهد برای اثبات سوء معاشرت شوهر شد. این فرایند طولانی باعث شد وی به دلیل عدم امکان اثبات دلایل، از درخواست خود صرف‌نظر کند. (دادگاه خانواده اصفهان، شعبه ۳، دادنامه شماره ۰۰۰۸۷-۱۴۰۱، مورخ ۰۱/۰۲/۱۵). برای رفع چالش‌ها و به حداکثر رساندن چالش‌ها می‌توان شرایط خاصی را تعریف و تعبیه کرد تا در شرایط خاص تعریف شده زنان سهولت در فرایند طلاق داشته باشند و در موارد دیگر به صورت کلی حضور مشاوران حقوقی در دادگاه‌ها برای حمایت از زنان در فرایند طلاق می‌تواند راهگشا باشد. در معقوله حقوق معنوی طلاق، می‌توان به عدم آگاهی کامل و کافی بانوان و همچنین پیچیدگی فرایند طلاق برای زنان

اشاره کرد که از جمله عوامل عدم تحقق حقوقشان خواهد بود. قوانین مربوط به حق طلاق بانوان نیازمند آیین‌نامه جدیدی خواهد بود تا بتواند قوانین را در چهارچوب اسلام و تا آنجا که مورد حمایت آن است گسترش داد.

۲-۳. چالش‌های مرتبط با حق اشتغال زنان

حق اشتغال یکی از موضوعات حساس در حقوق معنوی زنان است که در چارچوب قوانین ایران گاهی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود. طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.» از مزایای این ماده این است که بر اساس اصول خانواده محور اسلام تدوین شده و هدف آن جلوگیری از شغل‌هایی است که ممکن است به انسجام خانواده آسیب بزند. تفسیر این ماده در برخی موارد می‌تواند منجر به چالشی تحت عنوان، محدود کردن حقوق زنان در انتخاب شغل شود، حتی در شرایطی که شغل زن با منافع خانواده منافاتی ندارد. در پرونده شماره ۳۴/۱۴۰۰ در دادگاه خانواده تهران، مردی از همسرش به دلیل اشتغال در حرفه بازیگری شکایت کرد و خواستار منع او از کار شد. دادگاه به استناد ماده ۱۱۱۷، حکم به منع شغل زن داد، در حالی که زن توانسته بود ثابت کند که این حرفه با حیثیت خانوادگی منافاتی ندارد. از جمله چالش‌های موجود در این مبحث، نبود معیارهای شفاف در تعیین شغل‌های «منافی حیثیت خانوادگی» و احتمال سوءاستفاده از این ماده برای محدود کردن استقلال مالی زنان می‌باشد. تدوین آیین‌نامه اجرایی برای ماده ۱۱۱۷ که شغل‌های خاص و معیارهای «منافی حیثیت» را تعریف کند و همین‌طور ایجاد مراکز مشاوره حقوقی برای زنان در دعاوی مربوط به اشتغال می‌تواند در این حوزه کارساز باشد. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش باید بیان داشت که چالش اصلی، تفسیرهای متناقض و نبود معیارهای روشن برای اجرای ماده ۱۱۱۷ است؛ و همچنین این ماده نیازمند آیین‌نامه‌های شفاف برای کاهش احتمال سوءاستفاده است.

۲-۴. چالش‌های مرتبط با خشونت خانگی

خشونت خانگی یکی از مسائل مهمی است که به‌طور مستقیم بر حقوق معنوی زنان تأثیر می‌گذارد. با وجود برخی قوانین حمایتی، هنوز این موضوع در ایران به‌طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است. از جمله چالش‌های موجود ضعف در تعریف حقوقی و نبود مراکز حمایتی است. در حال حاضر، قوانین مدنی ایران تعریف جامعی از خشونت خانگی ارائه نمی‌دهند. بسیاری از موارد

خشونت، به‌ویژه خشونت روانی، از چارچوب‌های قانونی حذف شده‌اند. ایضاً، کمبود خانه‌های امن و مراکز حمایتی برای زنان آسیب‌دیده، یکی دیگر از موانع اصلی است. در پرونده‌ای در دادگاه خانواده اصفهان (پرونده شماره ۵۶/۱۳۹۹) زنی که به دلیل خشونت روانی شوهرش درخواست طلاق کرده بود، به دلیل نبود مدارک عینی، موفق به دریافت حکم نشد. این پرونده نشان‌دهنده ضعف در شناسایی و اثبات خشونت‌های غیرفیزیکی است. نبود تعریف جامع از خشونت خانگی در قوانین مدنی و کیفری، ضعف در ارائه خدمات حمایتی به زنان قربانی خشونت، نگرش فرهنگی که گاهی از خشونت خانگی چشم‌پوشی می‌کند؛ از جمله چالش‌های مطروحه در این زمینه هستند. افزودن تعریف جامع خشونت خانگی به قوانین مدنی و کیفری، شامل خشونت فیزیکی، روانی و اقتصادی، ایجاد خانه‌های امن برای زنان قربانی خشونت، با حمایت دولت، آموزش عمومی و فرهنگی برای کاهش پذیرش خشونت در خانواده‌ها؛ از جمله راهکارهای حل مشکل خواهد بود. در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش؛ چالش اصلی، نبود قوانین جامع و شفاف درباره خشونت خانگی و نیاز به اصلاحات قانونی و تقویت نهادهای حمایتی برای زنان قربانی خشونت احساس می‌شود.

۲-۵. ضعف در آموزش حقوقی

یکی دیگر از چالش‌های اصلی، ضعف در آموزش‌های حقوقی برای قضات، وکلا و حتی عموم مردم است. بسیاری از مشکلات ناشی از عدم آگاهی از قوانین یا تفسیرهای ناقص از آن‌هاست. قوانین ایران ظرفیت بالایی برای حل بسیاری از این مشکلات دارند. ولی نبود آموزش‌های متمرکز درباره حقوق زنان در چارچوب اسلامی، موجب تفسیرهای متناقض شده است. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات و وکلا؛ و همچنین تدوین کتابچه‌های راهنما برای آگاهی عمومی می‌توان راهکار حل مشکل باشند. آموزش حقوقی می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود را کاهش دهد و کارایی قوانین را افزایش دهد.

۲-۶. ضعف در آیین‌نامه‌های اجرایی

بسیاری از مواد قانونی، از جمله ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (حق منع شغل توسط شوهر) به دلیل نبود آیین‌نامه‌های شفاف، ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند.

تحلیل چالش:

■ **مزیت قانونی:** این مواد در چارچوب حفظ خانواده تدوین شده‌اند.

■ **چالش:** نبود آیین‌نامه‌های اجرایی باعث شده است تا تفسیر این مواد در برخی موارد به زیان زنان باشد.

از جمله راهکارهای موجود در این زمینه؛ تدوین آیین‌نامه‌های شفاف برای مواد قانونی حساس، ایجاد کمیته‌های تخصصی برای نظارت بر اجرای این قوانین، می‌باشند. در امتداد پاسخ به پرسش‌های مطروحه می‌توان گفت؛ تدوین آیین‌نامه‌های دقیق، راهکاری برای رفع مشکلات اجرایی است. چالش‌های مربوط به حقوق معنوی زنان، از جمله حق اشتغال و خشونت خانگی، نشان‌دهنده ضرورت تقویت قوانین، آیین‌نامه‌های اجرایی و نهادهای حمایتی است. تفسیر دقیق قوانین موجود و ایجاد اصلاحات در چارچوب اسلامی، می‌تواند گامی مؤثر در کاهش این مشکلات باشد.

۳. بررسی حقوق معنوی زنان در ایران مالزی و تونس

بررسی نظام‌های مختلف راهگشای مناسبی در ایجاد اصلاحات و تغییرات در جهت رشد و توسعه است. بررسی تجربیات کشورهای اسلامی نظیر مالزی و تونس که توانسته‌اند با ترکیب اصول اسلامی و نیازهای معاصر قوانینی مترقی‌تر وضع کنند، می‌تواند راهگشای بهبود حقوق معنوی زنان در ایران باشد. در این بخش، به بررسی تطبیقی موضوعاتی مانند حضانت فرزندان، حق طلاق، اشتغال زنان و مقابله با خشونت خانگی پرداخته می‌شود.

۳-۲. حقوق زنان در مالزی: ساختارها و چالش‌ها

مالزی کشوری چندقومیتی و چندفرهنگی است که قوانین آن ترکیبی از شریعت اسلامی و قوانین مدنی است. این کشور از سال ۱۹۸۴ با تصویب قانون خانواده اسلامی، چارچوبی قانونی برای مسائل مرتبط با زنان فراهم کرده است.

۳-۲-۱. حضانت فرزندان در مالزی

قانون خانواده اسلامی مالزی حضانت فرزند را با تأکید بر نقش مادر در سال‌های اولیه زندگی تعریف کرده است. ماده ۸۱ این قانون (قانون خانواده اسلامی مالزی، ماده ۸۱) تصریح می‌کند که حضانت کودک برای پسران تا ۷ سالگی و برای دختران تا ۹ سالگی به مادر تعلق می‌گیرد، مگر اینکه دلایلی مانند سوءرفتار یا عدم صلاحیت مادر وجود داشته باشد. در غیر این صورت، دادگاه می‌تواند تصمیم‌گیری را به نفع «منافع کودک» تغییر دهد. (Abdul Rahman, 2018, p. 18)

تحلیل تطبیقی با ایران:

- شباهت: در هر دو کشور، اولویت حضانت در سال‌های اولیه با مادر است.
 - تفاوت: در مالزی، دادگاه بر اساس منافع کودک تصمیم‌گیری می‌کند و محدودیت سنی تنها یک شاخص است، اما در ایران، حضانت پس از ۷ سالگی به‌طور پیش‌فرض به پدر سپرده می‌شود. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۶۹)
- در پرونده‌ای در دادگاه کوالالامپور (شماره ۱۵/۲۰۲۰) حضانت یک پسر ۱۰ ساله که به‌طور پیش‌فرض باید به پدر سپرده می‌شد، به مادر داده شد. دادگاه به این نتیجه رسید که مادر توانایی بیشتری در تربیت فرزند دارد. ایران می‌تواند از مدل مالزی برای تعریف «منافع کودک» استفاده کرده و معیارهایی جامع برای تصمیم‌گیری درباره حضانت تدوین کند.

۳-۲-۲. حق طلاق در مالزی

طلاق در مالزی به دو صورت قابل انجام است:

- طلاق از سوی مرد: مرد می‌تواند همسر خود را طلاق دهد، اما باید طلاق را در دادگاه ثبت کند.
 - طلاق از سوی زن: زن می‌تواند در صورت اثبات دلایلی مانند سوء معاشرت، ترک منزل، یا عدم پرداخت نفقه، درخواست طلاق کند. (قانون خانواده اسلامی مالزی، ماده ۴۹)
- در تحلیل تطبیقی قانون ایران و مالزی مشاهده می‌شود که در هر دو کشور، درخواست طلاق زنان نیازمند ارائه دلایل مستند است؛ اما در مالزی، زمان رسیدگی به پرونده‌های طلاق کوتاه‌تر است و جلسات مشاوره پیش از صدور حکم طلاق الزامی است. در پرونده‌ای در ایالت صباح (شماره ۲۳/۲۰۱۹) زنی توانست به دلیل ترک منزل توسط شوهرش طی ۶ ماه حکم طلاق بگیرد. این پرونده نشان‌دهنده تأثیر مثبت جلسات مشاوره اجباری بود که منجر به کاهش تنش‌ها شد. ایران می‌تواند با تدوین آیین‌نامه‌هایی برای الزام جلسات مشاوره پیش از طلاق، روند رسیدگی را تسهیل کند.

۳-۲-۳. حق اشتغال زنان در مالزی

ماده ۱۴ قانون کار مالزی ۱۹۵۵ بر لزوم حفظ کرامت انسانی در محیط کار تأکید دارد و هیچ محدودیت قانونی برای اشتغال زنان قائل نیست. درعین حال، قوانین اسلامی محلی در ایالت‌هایی مانند کلاتان، شرایط خاصی برای شغل‌های مرتبط با جنسیت زن در نظر گرفته‌اند. (Malaysian Employment Law، شفیق زکریا، ۲۰۱۷، ص ۸۸)

در مقایسه با ایران در هر دو کشور، ارزش‌های اسلامی چارچوب اصلی قانون‌گذاری را شکل می‌دهند؛ اما در ایران، ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به شوهر اجازه می‌دهد که زن را از اشتغال در مشاغلی که منافی حیثیت خانوادگی است، منع کند. در پرونده‌ای در دادگاه کلاتان (شماره ۱۲/۲۰۲۱) مردی درخواست منع همسرش از کار در یک شرکت حمل‌ونقل را به دادگاه ارائه کرد، اما دادگاه به نفع زن حکم داد و تأکید کرد که شغل وی منافاتی با ارزش‌های اسلامی ندارد. ایران می‌تواند با تدوین آیین‌نامه‌های شفاف‌تر و تعریف دقیق «شغل منافی حیثیت» از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند.

۳-۳. حقوق زنان در تونس: اصلاحات و دستاوردها

تونس از دهه ۱۹۵۰ با اصلاح قوانین خانواده، به یکی از پیشروترین کشورهای اسلامی در حوزه حقوق زنان تبدیل شده است. قانون شماره ۱۹۵۶ که بر مبنای اصول اسلامی تدوین شد، به‌عنوان یکی از مترقی‌ترین قوانین در خاورمیانه شناخته می‌شود. (Al-Zahra, 2015, p.120)

۳-۳-۱. مقابله با خشونت خانگی در تونس

قانون «مقابله با خشونت علیه زنان» در تونس که در سال ۲۰۱۷ تصویب شد، یکی از جامع‌ترین قوانین در این زمینه است. این قانون شامل تمامی اشکال خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی) است و تأکید دارد که دولت باید حمایت‌های لازم از زنان قربانی را فراهم کند. (UN Women, 2019, p.32) ایران و تونس هر دو در تلاش برای کاهش خشونت خانگی و حمایت از قربانیان بوده‌اند؛ اما در تونس، قانونی جامع تصویب شده است که علاوه بر تعریف خشونت، خدمات حمایتی مانند خانه‌های امن و مشاوره روان‌شناختی را نیز در نظر گرفته است. در پرونده‌ای در تونس (شماره ۴۵/۲۰۱۸) زنی که از خشونت روانی همسرش رنج می‌برد، توانست با استناد به قانون ۲۰۱۷ حکم حمایت دریافت کند و به خانه امن منتقل شود. ایران می‌تواند با تصویب قوانین جامع‌تر و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی مانند خانه‌های امن، به کاهش خشونت خانگی کمک کند.

۳-۳-۲. حق طلاق در تونس

در تونس، طلاق باید توسط دادگاه تصویب شود و شامل جلسات میانجی‌گری اجباری است. این رویکرد توانسته آمار طلاق‌های غیرضروری را کاهش دهد (گزارش حقوق خانواده تونس، ۲۰۲۰، ص ۵۴) در ایران و تونس طلاق باید از طریق دادگاه انجام شود؛ اما تونس با الزامی کردن میانجی‌گری و مشاوره قبل از طلاق، تلاش کرده است خانواده‌ها را حفظ کند. در پرونده‌ای در تونس (شماره ۲۱/۲۰۱۹) زوجی

که درخواست طلاق داشتند، پس از سه جلسه مشاوره اجباری، تصمیم به حفظ زندگی مشترک گرفتند. الزام جلسات مشاوره پیش از صدور حکم طلاق می‌تواند الگویی مناسب برای ایران باشد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ایران و کشورهای اسلامی مانند مالزی و تونس، اشتراکات بسیاری در چارچوب اسلامی دارند. با این حال، اصلاحات خاص این کشورها می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بهبود قوانین ایران در نظر گرفته شود. مهم‌ترین نتایج عبارت‌اند از:

۱. تدوین معیارهای شفاف برای منافع کودک در پرونده‌های حضانت.
۲. تسهیل فرایند طلاق برای زنان از طریق میانجی‌گری و مشاوره اجباری.
۳. تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی برای جلوگیری از سوءاستفاده در موارد اشتغال زنان.
۴. ایجاد خانه‌های امن و تصویب قوانین جامع‌تر برای مقابله با خشونت خانگی.
۴. مطالعه موردی حقوق طمعنوی زنان در ایران

۴. مقدمه‌ای بر مطالعه موردی

تحلیل یک پرونده قضایی واقعی می‌تواند دیدگاهی جامع‌تر درباره نحوه اجرای قوانین و چالش‌های موجود ارائه دهد. این بخش به بررسی پرونده‌ای در دادگاه خانواده تهران می‌پردازد که شامل مسائل مربوط به طلاق، حضانت فرزند و خشونت خانگی است. تحلیل دقیق مراحل مختلف این پرونده، چالش‌های حقوقی و اجرایی را برجسته کرده و راهکارهای عملی برای بهبود نظام حقوقی پیشنهاد می‌دهد.

۴-۱. معرفی پرونده قضایی

پرونده قضایی طلاق، حضانت و خشونت خانگی (پرونده شماره ۲۳/۱۴۰۱) شرح کلی پرونده بدین صورت می‌باشد خواهان خانم "الف"، ۳۲ ساله، خانه‌دار و مادر یک دختر ۸ ساله.

خوانده آقای "ب"، ۳۸ ساله، کارمند بخش خصوصی. (دادگاه تهران، پرونده شماره ۲۳/۱۴۰۱) موضوعات مطروحه در پرونده:

۱. درخواست طلاق به دلیل خشونت خانگی و ترک منزل توسط همسر.
۲. درخواست حضانت فرزند پس از ۷ سالگی.

۳. اثبات خشونت خانگی و تأثیر آن بر شرایط خانوادگی.

۴-۲. تحلیل حقوقی بخش اول: حق طلاق

برای پاسخگویی به این بخش نیازمند تحلیل مواد مرتبط (۱۱۳۳، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰) هستیم. ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی بیان می‌دارد که حق طلاق به صورت اصولی به مرد تعلق دارد. مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز اشاره دارند به اینکه زن می‌تواند در صورت عدم پرداخت نفقه، سوءرفتار، یا ترک منزل، درخواست طلاق کند. پرونده دارای چالش‌هایی است که در ادامه مطرح می‌شود:

۱. بار اثبات دلایل: خانم "الف" باید با ارائه شواهد و مدارک (شامل شهادت شهود و گزارش پزشکی قانونی) سوءرفتار شوهر و ترک منزل را اثبات می‌کند. این موضوع باعث طولانی شدن روند قضایی شد.

۲. محدودیت در شواهد خشونت: بسیاری از شواهد مرتبط با خشونت خانگی، مانند پیام‌های تهدیدآمیز یا گزارش‌های پزشکی، در دادگاه پذیرفته نشدند.

در مالزی، فرایند طلاق ساده‌تر است و دادگاه‌های شریعت می‌توانند در مدت زمان ۶ ماه تصمیم‌گیری کنند. (Abdul Rahman, 2018, p. 98) در تونس، طلاق باید پس از جلسات مشاوره اجباری صادر شود که می‌تواند به کاهش تنش میان طرفین کمک کند. (Al-Zahra, 2015, p. 45) برای رفع چالش‌ها راهکارهای زیر مناسب به نظر می‌رسد:

۱. سامانه‌های الکترونیکی: ایجاد سامانه‌ای برای ثبت مدارک خشونت خانگی و دسترسی سریع قضات به آن.

۲. مشاوره اجباری پیش از طلاق: استفاده از مشاوران حقوقی و روان‌شناختی برای کاهش تنش‌ها و کوتاه کردن روند طلاق.

۳. بازنگری ماده ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰: تعیین معیارهای شفاف‌تر برای اثبات سوءرفتار و ترک منزل.

۴-۳. تحلیل حقوقی بخش دوم: حضانت فرزند

طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت فرزند تا سن ۷ سالگی به مادر و پس از آن به پدر سپرده می‌شود، مگر اینکه دادگاه تشخیص دهد که مصلحت کودک ایجاب می‌کند حضانت به مادر تعلق گیرد. چالش‌های حقوقی در پرونده:

۱. نبود معیارهای دقیق برای مصلحت کودک: دادگاه به طور پیش فرض حضانت فرزند را به پدر واگذار کرد، بدون اینکه معیارهای مصلحت کودک (مانند شرایط روانی یا مالی والدین) را بررسی کند.

۲. نبود ارزیابی روان‌شناختی: هیچ ارزیابی روان‌شناختی از طرفین انجام نشد تا شرایط فرزند و والدین بهتر درک شود.

در مالزی، دادگاه موظف است معیارهای مشخصی از جمله شرایط مالی و توانایی عاطفی والدین را بررسی کند. (Abdul Rahman, 2018, p. 113) در تونس، مفهوم «منافع کودک» به‌طور واضح تعریف شده و حضانت تنها بر اساس این معیارها تعیین می‌شود. (Al-Zahra, 2015, p. 85)

راهکارهای پیشنهادی:

۱. تعریف دقیق مصلحت کودک: تدوین معیارهایی شامل وضعیت مالی، توانایی عاطفی و شرایط محیط زندگی.

۲. ایجاد مراکز تخصصی ارزیابی حضانت: این مراکز می‌توانند با بررسی روان‌شناختی و اجتماعی تصمیم دادگاه را تسهیل کنند.

۳. گزارش دهی منظم: الزام والدین به ارائه گزارش‌های منظم درباره شرایط زندگی کودک.

۴-۴. تحلیل حقوقی بخش سوم: خشونت خانگی

ایران فاقد قانونی جامع برای مقابله با خشونت خانگی است. این مسئله باعث شده بسیاری از موارد خشونت، به‌ویژه خشونت روانی و اقتصادی، در دادگاه‌ها مورد توجه قرار نگیرند. چالش‌های موجود در پرونده:

۱. نبود تعریف جامع خشونت: دادگاه تنها خشونت فیزیکی را به‌عنوان دلیل طلاق پذیرفت و از بررسی شواهد خشونت روانی و اقتصادی خودداری کرد.

۲. نبود خدمات حمایتی: خانم "الف" به دلیل نبود خانه‌های امن و مشاوره تخصصی، مجبور به سکونت در منزل والدین خود شد که این موضوع به فشارهای روانی وی افزود. در تونس، قانون مقابله با خشونت علیه زنان (۲۰۱۷) تمامی اشکال خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی) را تعریف کرده و شامل حمایت‌های قانونی و اجتماعی از قربانیان است. (UN Women, 2019, p.32) در مالزی، مراکز حمایتی برای زنان قربانی خشونت فراهم است که امکان دسترسی به خدمات مشاوره و اسکان موقت را فراهم می‌کند. (Women's Rights in Malaysia, 2020, p54)

راهکارهای پیشنهادی:

۱. تصویب قانون جامع خشونت خانگی: شامل تعریف اشکال مختلف خشونت و تعیین ضمانت‌های اجرایی.

۲. ایجاد خانه‌های امن: با همکاری دولت و نهادهای خیریه، امکان اسکان موقت زنان قربانی فراهم شود.
۳. آموزش عمومی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آگاه‌سازی مردم درباره پیامدهای خشونت خانگی.

۴-۵. تحلیل کلی و ارائه راهکارها

نقاط قوت نظام حقوقی ایران:

۱. چارچوب اسلامی قوی: قوانین ایران با اتکاء به اصول اسلامی، توانسته‌اند تعادلی میان حقوق فردی و خانوادگی ایجاد کنند.
۲. وجود قوانین حمایتی: موادی مانند ۱۱۶۹ و ۱۱۳۰ ظرفیت بالایی برای حفظ حقوق خانواده دارند.

نقاط ضعف شناسایی شده:

۱. ضعف در اجرای قوانین: نبود آیین‌نامه‌های شفاف برای اجرای قوانین حضانت و طلاق.
۲. کمبود خدمات حمایتی: فقدان مراکز حمایتی مانند خانه‌های امن و مشاوره تخصصی.
۳. عدم جامعیت قوانین: نبود قانون جامع خشونت خانگی که اشکال مختلف خشونت را شامل شود.

پیشنهادات کلی برای بهبود:

- اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی: تدوین آیین‌نامه‌هایی برای تفسیر دقیق ماده‌های ۱۱۶۹ و ۱۱۳۰.
- تصویب قانون جامع خشونت خانگی: تعریف جامع اشکال خشونت و تعیین ضمانت‌های اجرایی.
- توسعه خدمات حمایتی: ایجاد خانه‌های امن، مراکز مشاوره و سامانه‌های آنلاین ثبت شکایات.
- تسهیل فرایند طلاق: ایجاد مشاوره اجباری پیش از طلاق برای کاهش تنش و تسریع روند رسیدگی.
- افزایش آگاهی عمومی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای قضات، وکلا و عموم مردم درباره حقوق معنوی زنان.

۵. راهکارهای پیشنهادی برای بهبود نظام دادرسی و تحلیل هزینه - فایده

بهبود نظام دادرسی مرتبط با حقوق زنان نیازمند اجرای راهکارهایی جامع، دقیق و پایدار است. هرچند این اقدامات می‌توانند تأثیرات مثبتی بر جامعه داشته باشند، اما اجرای آن‌ها نیازمند برآورد هزینه‌ها، تأمین منابع مالی و مدیریت ریسک‌های احتمالی است. در این بخش، راهکارهای پیشنهادی از زوایای مختلف، از جمله مزایا، هزینه‌ها، تحلیل منابع مالی و کاهش ریسک‌ها، بررسی می‌شوند.

۵-۱. اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی و تقویت ساختارهای دادرسی

۵-۱-۱. شفاف‌سازی معیارهای حضانت فرزند

- مزایا: تعریف معیارهای دقیق مانند وضعیت مالی، روانی و شرایط زندگی والدین، موجب کاهش اختلافات و افزایش رضایت از تصمیمات دادگاه می‌شود. از سوی دیگر باعث جلوگیری از پرونده‌های تجدیدنظر که هزینه‌های اضافی برای دستگاه قضایی ایجاد می‌کنند، می‌شود.
- هزینه‌ها: تدوین آیین‌نامه‌های جدید شامل تشکیل کارگروه‌های تخصصی و برگزاری نشست‌های مشورتی حدود ۲۰ میلیارد ریال هزینه دارد. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات با هزینه‌ای معادل ۲ میلیارد ریال برای هر دوره در نظر گرفته می‌شود.
- برآورد هزینه: این ارقام براساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره تدوین آیین‌نامه‌های مشابه (مانند قانون حمایت از کودکان) محاسبه شده‌اند.
- مدیریت منابع مالی: تخصیص بخشی از مالیات‌های مرتبط با کالاهای لوکس به این پروژه‌ها. در کنار کاهش هزینه‌های اضافی قضایی از طریق کاهش تعداد پرونده‌های تجدیدنظر.
- کاهش ریسک شکست: اجرای آزمایشی معیارهای جدید در چند استان پیش از تصویب نهایی. همراه با نظارت مستمر بر اجرای آیین‌نامه‌ها و جمع‌آوری بازخوردها برای بهبود فرآیند.

۵-۲-۲. ایجاد مراکز ارزیابی تخصصی حضانت

- مزایا: این مراکز با ارائه گزارش‌های جامع درباره وضعیت والدین و کودک، کیفیت تصمیم‌گیری‌های دادگاه را افزایش داده و از اشتباهات جلوگیری می‌کنند. همچنین باعث تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها و کاهش حجم کار دادگاه‌ها می‌شود.
- هزینه‌ها: هزینه راه‌اندازی هر مرکز حدود ۵۰ میلیارد ریال تخمین زده می‌شود که شامل

ساخت، تجهیز و نیروی انسانی است. هزینه‌های جاری سالانه برای هر مرکز حدود ۵ میلیارد ریال برآورد شده است.

- منابع تأمین مالی: اختصاص بخشی از درآمد حاصل از عوارض خودروهای لوکس. در کنار، همکاری با سازمان‌های خیریه و جذب سرمایه از نهادهای بین‌المللی برای حمایت از این طرح.
- کاهش ریسک شکست: ایجاد مراکز در استان‌های بزرگ با بیشترین پرونده‌های مرتبط برای آغاز به کار. به همراه همکاری نزدیک با دانشگاه‌ها برای تأمین نیروهای متخصص و کاهش هزینه‌های پرسنلی.

۵-۲-۳. مشاوره اجباری پیش از طلاق

- مزایا: کاهش پرونده‌های طلاق و حفظ خانواده‌ها. در کنار، کاهش فشار روانی بر کودکان و طرفین درگیر در فرآیند دادرسی.
- هزینه‌ها: هزینه هر جلسه مشاوره برای یک زوج حدود ۱۰ میلیون ریال است. برای ۳۰۰ هزار پرونده طلاق در سال، هزینه کلی سالانه به ۳ هزار میلیارد ریال می‌رسد.
- برآورد هزینه: این رقم براساس داده‌های وزارت رفاه درباره هزینه‌های مشاوره در مراکز حمایتی و سازمان بهزیستی تخمین زده شده است.
- مدیریت منابع مالی: افزایش مالیات بر تبلیغات شرکت‌های پردرآمد و تخصیص آن به تأمین هزینه جلسات مشاوره. در کنار، ارائه تسهیلات مالیاتی به مراکز مشاوره‌ای که به ارائه خدمات ارزان‌تر کمک می‌کنند.
- کاهش ریسک شکست: طراحی جلسات کوتاه‌مدت و کاربردی برای افزایش اثربخشی مشاوره‌ها. همراه با افزایش آگاهی عمومی از طریق رسانه‌ها درباره اهمیت این جلسات.

۵-۳. توسعه نهادهای حمایتی و خدمات اجتماعی

۵-۳-۱. ایجاد خانه‌های امن برای زنان قربانی خشونت

- مزایا: این خانه‌ها با ارائه خدمات حمایتی مانند مشاوره، خدمات حقوقی و روان‌شناختی، امنیت زنان را تضمین کرده و از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند.
- هزینه‌ها: هزینه ساخت هر خانه امن حدود ۱۰۰ میلیارد ریال است. هزینه‌های جاری سالانه برای هر خانه امن حدود ۱۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

- منابع تأمین مالی: تخصیص بخشی از بودجه‌های غیرضروری دولتی. جذب حمایت از نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های خیریه.
- کاهش ریسک شکست: راه‌اندازی خانه‌های امن در مناطق پرخطر و آسیب‌پذیر به صورت اولویت‌دار. همراه با ایجاد سیستم‌های نظارتی شفاف برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی.

۵-۳-۲. ارائه وکلای معاضدتی و خدمات حقوقی رایگان

- مزایا: این خدمات موجب دسترسی بهتر به عدالت برای زنان کم‌درآمد شده و از تضییع حقوق آنان جلوگیری می‌کند.
- هزینه‌ها: هزینه سالانه هر وکیل معاضدتی حدود ۱ میلیارد ریال است. برای ۵۰۰ وکیل در سراسر کشور، هزینه سالانه ۵۰۰ میلیارد ریال خواهد بود.
- مدیریت منابع مالی: ارائه مشوق‌های مالیاتی به وکلای داوطلب. در کنار استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای کاهش هزینه‌های مشاوره حقوقی.
- کاهش ریسک شکست: نظارت بر کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط وکلای معاضدتی. همچنین آموزش مستمر برای ارتقای تخصص این وکلا.

۵-۴. استفاده از فناوری‌های نوین در دادرسی

۵-۴-۱. سامانه‌های ثبت شکایات و مدیریت پرونده‌ها

- مزایا: افزایش شفافیت و سرعت در رسیدگی به پرونده‌ها. در کنار کاهش هزینه‌های اداری و دفتری.
 - هزینه‌ها: هزینه طراحی و توسعه یک سامانه ملی حدود ۱ هزار میلیارد ریال است. هزینه‌های نگهداری سالانه حدود ۲۰۰ میلیارد ریال تخمین زده می‌شود.
 - مدیریت منابع مالی: جذب سرمایه‌گذاری از شرکت‌های فناوری اطلاعات داخلی. همچنین استفاده از زیرساخت‌های موجود برای کاهش هزینه‌های توسعه.
 - کاهش ریسک شکست: ارائه آموزش‌های عمومی برای استفاده از سامانه. طراحی رابط کاربری ساده و قابل فهم برای عموم مردم.
- راهکارهای پیشنهادی با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منابع مالی، قابلیت اجرا دارند و می‌توانند به بهبود عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت دادرسی منجر شوند. با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی مناسب، جذب حمایت‌های خیریه و استفاده بهینه از منابع موجود، فشار مالی بر دولت کاهش یافته و احتمال موفقیت این طرح‌ها افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نظام حقوقی ایران در حوزه حقوق معنوی زنان با چالش‌های قابل توجهی مواجه است که حل آن‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، اصلاحات اجرایی و استفاده از رویکردهای مبتنی بر نیازهای جامعه است. این مقاله با بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهایی عملی و ساختارمند تلاش کرده تا مسیری برای بهبود عدالت اجتماعی و حمایت مؤثرتر از زنان ترسیم کند. نتیجه‌گیری حاضر به جمع‌بندی تمام مباحث پرداخته و راهکارهای پیشنهادی را در قالب دیدگاهی منسجم و عملیاتی ارائه می‌دهد. تسهیل فرآیندهای دادرسی مستلزم استفاده از فناوری‌های نوین، تعریف دقیق معیارهای قانونی و کاهش بروکراسی‌های اضافی است. سامانه‌های الکترونیکی ثبت شکایات و مدیریت پرونده‌ها، یکی از کارآمدترین ابزارها برای کاهش پیچیدگی‌های دادرسی و افزایش شفافیت هستند. راهکار عملی را می‌توان به طراحی سامانه‌های کاربرپسند، ارائه آموزش‌های عمومی برای استفاده از آن و اولویت‌بندی اجرای این فناوری‌ها در استان‌های با حجم بالای پرونده‌های خانوادگی اشاره کرد.

حمایت از زنان قربانی خشونت نیازمند تدوین قانون جامع خشونت خانگی، ایجاد خانه‌های امن و تشکیل دادگاه‌های ویژه است. این اقدامات، علاوه بر ارائه پناهگاه‌های فیزیکی، بستری حقوقی برای حمایت از زنان و کاهش آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند.

به‌عنوان راهکار عملی می‌توان تأسیس خانه‌های امن در مناطق پرخطر، تدوین قانون جامع خشونت خانگی با ضمانت اجرایی قوی و جذب حمایت مالی از سازمان‌های خیریه و بین‌المللی در نظر داشت.

در پاسخ به سؤال «چگونه می‌توان هزینه‌های اجرایی را کاهش و منابع مالی جدید فراهم کرد؟ می‌توان گفت که اجرای راهکارهای پیشنهادی بار مالی قابل توجهی برای دولت دارد، اما با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی هوشمند، مشارکت عمومی - خصوصی و استفاده از زیرساخت‌های موجود می‌توان این هزینه‌ها را به حداقل رساند. به‌عنوان راهکار عملی افزایش مالیات بر کالاهای لوکس و تبلیغات دیجیتال، کاهش معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های پردرآمد، جذب حمایت‌های مالی از سازمان‌های بین‌المللی و خیریه‌های داخل مورد اشاره قرا می‌گیرند.

تحلیل جامع راهکارهای پیشنهادی

مزایا و اثرات مثبت:

۱. بهبود عدالت اجتماعی: اجرای این راهکارها موجب افزایش دسترسی به حقوق اساسی، بهبود دادرسی‌ها و کاهش تضییع حقوق زنان می‌شود.

۲. کاهش آسیب‌های اجتماعی: برنامه‌هایی نظیر خانه‌های امن و مشاوره اجباری، آسیب‌های روانی و اجتماعی مرتبط با طلاق و خشونت را کاهش می‌دهند.
۳. تقویت کارآمدی نظام قضایی: با کاهش تعداد پرونده‌های تجدیدنظر و تسریع روند دادرسی، نظام قضایی از بار کاری اضافی رها می‌شود.

چالش‌ها و موانع:

۱. بار مالی: هزینه‌های اجرایی بالای برخی راهکارها، مانند ایجاد مراکز ارزیابی حضانت یا سامانه‌های الکترونیکی، چالش مهمی است.
۲. ریسک شکست: عدم استقبال عمومی از برخی برنامه‌ها (مانند مشاوره اجباری) یا نبود زیرساخت‌های کافی ممکن است به کاهش اثربخشی منجر شود.

پیشنهادها برای کاهش چالش‌ها:

۱. اولویت‌بندی در اجرا: اجرای آزمایشی در استان‌های پرجمعیت و سپس گسترش برنامه‌ها.
 ۲. مدیریت منابع: استفاده از ساختمان‌های نیمه‌کاره دولتی یا فضاهای اجاره‌ای کم‌هزینه برای کاهش هزینه‌های زیرساختی.
 ۳. جلب مشارکت مردمی: آگاه‌سازی عمومی و تشویق مردم به همکاری از طریق رسانه‌ها.
- به صورت کلی تحلیل جامع این مقاله نشان می‌دهد که با اجرای راهکارهای عملی و ساختارمند، می‌توان چالش‌های موجود در حقوق معنوی زنان را به‌صورت مؤثری حل کرد. اقدامات پیشنهادی مانند شفاف‌سازی قوانین حضانت، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی و حمایت از قربانیان خشونت خانگی، در عین نیازمند بودن به سرمایه‌گذاری‌های اولیه، تأثیرات مثبت بلندمدتی بر عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان خواهد داشت.
- اجرای موفق این برنامه‌ها مستلزم همکاری همه‌جانبه میان دولت، نهادهای مردمی و بخش خصوصی است. با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت منابع، می‌توان این تغییرات را به شکلی پایدار و اثرگذار پیاده‌سازی کرد و گامی بلند در راستای ارتقای حقوق زنان و عدالت اجتماعی برداشت.

منابع

۱. اداره کل تحقیقات و پژوهش‌های قضایی (۱۳۹۸). راهنمای تدوین آیین‌نامه‌های حقوقی، تهران: نشر قوه قضائیه.
۲. احمدی، فاطمه (۱۴۰۰). حقوق خانواده در ایران: تحلیل تطبیقی و نظریه‌پردازی، تهران: انتشارات میزان.
۳. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۷). قانون حمایت از خانواده و مصلحت کودک، تهران: نشر دانشگاهی.
۴. حسینی، محمدمعلی (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی حقوق زنان در نظام حقوقی ایران و اسلام، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۵. دبیرخانه شورای عالی خانواده (۱۴۰۱). گزارش سالانه وضعیت حقوق خانواده در ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی.
۶. رضایی، مهدی (۱۴۰۰). حقوق خانواده در اسلام: اصول و مبانی، قم: مرکز نشر اسلامی.
۷. زاهدی، زهرا (۱۴۰۲). خشونت خانگی و راهکارهای قانونی مقابله با آن، تهران: نشر جنگل.
۸. شریفی، عباس (۱۳۹۸). مطالعه موردی حضانت فرزند در نظام قضایی ایران، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
۹. فتحی، حسین (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی قوانین حمایتی زنان در ایران و جهان اسلام، تهران: نشر میزان.
۱۰. مرادی، علی (۱۴۰۱). سامانه‌های الکترونیکی در نظام دادرسی ایران، تهران: انتشارات عدالت.
۱۱. علیزاده، زهرا (۱۴۰۰). نقش مشاوره در کاهش دعاوی خانوادگی، قم: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. کریمی، عباس (۱۳۹۸). حقوق تطبیقی در مسائل خانواده: مطالعه موردی کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات جنگل.
۱۳. فاضلی، مریم (۱۳۹۹). خشونت علیه زنان: چالش‌ها و راهکارها در ایران، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). گزارش تحلیلی قوانین حضانت در ایران و سایر کشورها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۵. دانشگاه تهران (۱۴۰۰). گزارش سالانه مطالعات خانواده و حقوق زنان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

1. Abdul Rahman, S. (2018) *Islamic Family Law in Malaysia*. Kuala Lumpur: ILK Press.
2. Al-Zahra, F. (2015) *Islamic Reform in Tunisia: Women and Law*. Tunis: University of Tunis Press.
3. Ben-Ali, S. (2020) *Family Law and Child Custody in the Islamic Context*. Oxford: Oxford University Press.
4. UN Women. (2019) *Ending Violence Against Women in the MENA Region*. New York: UN Publications.
5. United Nations. (2017) *Gender Justice and Family Law Reform*. New York: UN Women.
6. Esposito, J. L. & DeLong-Bas, N. J. (2001) *Women in Muslim Family Law*. Syracuse: Syracuse University Press.
7. Welchman, L. (2007) *Women and Muslim Family Laws in Arab States: A Comparative Overview of Textual Development and Advocacy*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
8. Mir-Hosseini, Z. (2006) *Muslim Women's Quest for Equality: Between Islamic Law and Feminism*. Critical Inquiry.
9. An-Na'im, A. A. (1990) *Toward an Islamic Reformation: Civil Liberties, Human Rights, and International Law*. Syracuse: Syracuse University Press.
10. Abu-Odeh, L. (2004) Modernizing Muslim Family Law: The Case of Tunisia. *Harvard Journal of Law & Gender*.
11. Mansoor, F. (2012) *Family Law Reform in Islamic Contexts*. London: Routledge.
12. Roudi-Fahimi, F. & Moghadam, V. (2003) *Empowering Women, Developing Society: Female Education in the Middle East and North Africa*. Washington, DC: Population Reference Bureau.
13. Ali, S. S. (2000) *Gender and Human Rights in Islam and International Law: Equal Before Allah, Unequal Before Man?* The Hague: Kluwer Law International.
14. Al-Hibri, A. (1997) Islam, Law and Custom: Redefining Muslim Women's Rights. *American University Journal of International Law & Policy*.
15. Kugle, S. S. (2010) *Homosexuality in Islam: Critical Reflection on Gay, Lesbian, and Transgender Muslims*. Oxford: Oneworld.

منابع آنلاین و گزارش‌های مرتبط:

۱. مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). گزارش آماری سالانه دعاوی خانوادگی. بازیابی از www.amar.org.ir
۲. پایگاه اطلاعات قوانین ایران (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی قانون حمایت از خانواده. بازیابی از www.lawiran.ir
۳. مرکز ملی حقوق زنان (۱۳۹۹). گزارش خشونت خانگی در ایران: آمار و تحلیل.
1. United Nations Development Programme (UNDP) (2021) Women's Rights and Access to Justice in Developing Countries. Retrieved from www.undp.org
2. World Bank. (2020) Women, Business, and the Law 2020. Retrieved from www.worldbank.org
3. Human Rights Watch. (2022) Iran: Women's Rights Under Threat. Retrieved from www.hrw.org

4. Amnesty International. (2021) Addressing Violence Against Women in Iran. Retrieved from www.amnesty.org
5. OECD. (2019) Gender Equality and Justice Systems. Retrieved from www.oecd.org
6. UNICEF. (2020) Custody Rights and Child Protection in MENA Region. Retrieved from www.unicef.org
7. Global Rights. (2018) Empowering Women through Legal Reform. Retrieved from www.globalrights.org

